



اما آقای وزیر، به نظر می رسد تیم مذاکره کننده و به طور کلی دولت یک نگاه تک گزینه ای نسبت به آمریکا دارد و علاوه بر اینکه به دیگر کشورها خارج از ۶ کشور توجه چندانی نمی شود، حتی در ۱+۵ هم برخی کشورها به حاشیه رفته اند. نگرانی و یا سوال این است که آیا اگر این راهبرد-مذاکره مستقیم با آمریکا- شکست بخورد بر نامه دومی داریم؟ مثلاً می بینیم که ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه در شرایطی که آمریکا و اتحادیه اروپا در حال فشار بر این کشور هستند، از گسل های میان اتحادیه اروپا و برخی کشورها مثل یونان، گرجستان و... استفاده می کند. آقای وزیر، چرا استفاده از اختلافات میان ۱+۵ یا شکاف های میان اتحادیه اروپا و راهبرد مذاکراتی ایران کم رنگ است؟

البته من بارها گفتم که این طور نیست که فقط با آمریکا مذاکره داشته باشیم. آن چیز که بر جسته شده آمریکاست که دو دلیل دارد یکی اینکه اولین بار است که ما به صورت رسمی با آمریکا مذاکره می کنیم و دومی که مهمتر است این است که مذاکره هسته ای تنها جایی است که ما با آمریکا مذاکره می کنیم. ما الان در فرانسه، آلمان، چین و روسیه سفیر داریم و با اینها تماس روزانه داریم و هر روز دیدگاه های ما را مطرح می کنند در همه موضوعات از جمله بحث های هسته ای. چندی قبل آقای ولایتی به روسیه رفتند و با پوتین گفتگو داشتند. در طول یک سال و نیم گذشته در سطح سران ۴ بار با روسیه و چین صحبت کردیم و بارها در سطح وزرای خارجه دیدار داشتیم. در حاشیه مجمع عمومی دیدار داریم یا به این کشورها سفر می کنیم. تعاملات ما با دیگران عادی است اما با آمریکا فقط در چارچوب هسته ای مذاکره داریم بنابراین به نظر می رسد که در ۱+۵ بیشترین وقت را با آمریکای می گذرانیم. این به خاطر این است که قبل از ۱+۵ هر چه وقت داشتیم با دیگران مذاکره کردیم و با آمریکا تنها جایی که مذاکره می کنیم در ۱+۵ است. نکته دیگر این است که بیشترین کاری که باید در صورت توافق انجام شود باید توسط آمریکا باشد چون بیشترین محدودیت ها را آمریکایی ها برای ایجاد کردند لذا آن ها باید بیشترین اقدام را انجام دهند. اما آن چیزی که گفتم تنها صحنه مذاکرات ما با آمریکا، ۱+۵ است اما برای دیگران صحنه های زیادی داریم که کسی آن ها را نمی بیند. رفت و آمدهای ما با چینی ها را نمی بینند.

در مورد سایر کشورها مثل بخشی که اروپای دوم گفته می شود، مثلاً ایتالیا و... چطور؟ چه اقداماتی انجام شده و می شود؟

آن ها که می آیند. [یک روز قبل از گفت و گوی خراسان با دکتر ظریف، وزیر خارجه ایتالیا به تهران آمده بود.] ما با دولت جدید یونان ارتباطات بسیار خوبی داریم. میزان سفرهایی که ما به منطقه رفتیم بالاست. الان کشوری در آسیای میانه نیست که من یا دکتر روحانی به آن جا سفر نکرده باشد. ما در همه جا حضور داریم. من هفته قبل (هفته اول اسفند ۹۳) به عراق سفر کردم و ۴ بار در طول دو سال به عراق سفر کردم. این میزان حضور ما و رفت و آمدها به دلیل اینکه بیشترین تمرکز خبری روی آمریکاست باعث ایجاد این تصور می شود که ما فقط با آمریکا کار می کنیم. از ابتدای روی کار آمدن این دولت اعتقاد داشتیم که سیاست خارجی باید همه جانبه باشد. اولویت ما

همسایگان است اما نمی توانیم بقیه کشورها را فراموش کنیم و بالعکس. هر کشوری در محیط امن می تواند رشد کند و برای داشتن محیط امن باید موانع خارجی ایجاد امنیت در منطقه را از بین ببرد و لذا ما یک سیاست خارجی همه جانبه نگر داشتیم. هیچ نیازی به طرح دوم نداریم. ما از ابتدای روی همه حوزه ها کار کردیم و آمادگی همه نوع آینده را داریم. اگر مذاکرات موفق شود به این معنی نیست که همه مشکلات ما حل می شود اتفاقاً از روز اول به دوستان وزارت خارجه گفتم که با توافق و نوازه کار ما شروع شده است و اتفاقاً رفتاری ها و چالش های ما زیاد می شود و اگر هم موفق نشود امکانات دیگری را مهیا کرده ایم که می توانیم استفاده کنیم.

نقد دیگری که به این ۱۷ ماه مذاکره مطرح است این است که زمانی که او با ما یا کری با مقامات کنگره آمریکا و سایر مقامات این کشور اظهارات گستاخانه ای نسبت به ایران دارند، آن طور که شایسته است دستگاه دیپلماسی ما پاسخ به این گستاخی ها نمی دهد تا جایی که رهبری وارد عمل می شوند. چرا این ضعف دیده می شود؟

من احساس می کنم که ما در حوزه هایی که به وزارت خارجه مربوط است حرف هایی که در خارج زده می شود را بی پاسخ نمی گذاریم. به صورت مورد نیاز و زمانی که نیاز است پاسخ می دهیم. البته احساس می کنم که برخی رسانه ها در داخل کشور خیلی تلاش می کنند که قسمت هایی را بر جسته کنند که من در خارج نمی بینم که بر جسته شود. مثلاً آقای اوپاما سخنانی در مرکز سابان داشت و گفت: اگر می توانستیم یک پیچ و مهره از برنامه هسته ای ایران باقی نمی گذاشتیم اما به این نتیجه رسیدیم که چنین چیزی غیر ممکن و غیر عقلانی است. این را همه به عنوان گستاخی نسبت به ایران عنوان کردند در حالی که این می توانست به عنوان ناگزیری آمریکا از کنار آمدن با مردم ایران مطرح شود. من صحبت آقای اوپاما را این طور می خوانم ضمن اینکه من توهمی در مورد تغییر موضع آمریکاندارم. آمریکا خصومتی با انقلاب ما داشته و دارد و ما این خصومت را حس کرده و با آن برخورد می کنیم. بهترین برخورد ما هم این بوده که اصرار کنیم که مواضع انقلابی و سیاست ها و اصول خود را تغییر نمی دهیم. ما با همین صراحت که این حرف ها را به شما می گویم، حتی صریح تر این حرف ها را به آقای کری گفتم. من احساس می کنم که این خودباوری باعث حضور ما در صحنه بین المللی شده است. ضمن اینکه با برخورد های نامناسب دیگران برخورد می کنیم، رهبری هم هر زمان که مصلحت بدانند خودشان وارد می شوند و اینکه ایشان ورود می کنند به معنای این نیست که وزارت خارجه ماموریت خودش را انجام ندهد یا نداده است.

نقد سوم ما در مورد چهره جمهوری اسلامی در میان ملت های انقلابی جهان و منطقه و در میان مستضعفان است. برخی معتقدند که اقداماتی مثل پیاده روی با آقای کری که تصویری شد یا گفت و گوی تلفنی آقای روحانی و آقای اوپاما که اعلام شد، می تواند به این چهره استکبار ستیزی ایران در دنیا و در میان ملت هایی که به انقلاب اسلامی چشم دوخته اند، خدشه وارد کند. نظر شما چیست؟

من معتقدم ما بهیت استکبار ستیزی و سلطه ستیزی جمهوری اسلامی باید در عمل و باورهای ما نمود و جلوه پیدا کند و اطمینان دارم که در رفتار بنده هیچ وقت این نکته را فراموش نکردم. یقین هم دارم که آقای کری هم هیچ وقت چنین برداشتی از رفتار بنده نکرده است. یقین دارم که حتی زمانی که داشت با بنده قدم می زد کاملاً احساس می کرد که با فردی صحبت می کند که به نظامش و انقلابش باور دارد. من بارها که وقت نماز شده در کنار مذاکره گوشه اتاق ایستادم و نماز خواندم، بعد از نماز [به طرف های مقابل] گفتم من نماز خواندم که یادم باشد یک قدرت برتری در دنیا هست و قدرت های دیگر خیلی برتر نیستند لذا من احساس نمی کنم که در هیچ لحظه ای از این مذاکرات تصویری از

بنده یا همکارانم در هیئت آمریکایی و یا دیگر هیئت ها مبنی بر اینکه ما از اصول و باور ها و مبانی انقلابی خود کنار کشیدیم پیدا شده باشد ضمن اینکه طرف مقابل کاملاً به این قناعت رسیده که ما دنبال تعامل، گفتگو و منطق هستیم و بر این اساس حقوق خود را می خواهیم. دنبال جنگ و درگیری و تنش نیستیم اما در برابر زورگویی هم مقاومت می کنیم. فکر می کنم این کاملاً مشخص شده باشد و حداقل بنده خیال خودم راحت است که چنین تصویری ایجاد نکردم. فکر می کنم دوستان ما با نوشته های خود چنین تصویری را ایجاد نکنند. یعنی وقتی من می بینم که بعضی دوستان ما به آمریکایی ها می گویند ظریف در مقابل شما احساس ضعف می کند من نمی دانم چه چیزی را به آمریکایی ها القا می کنند؟ چون این مطالبی که در داخل نوشته می شود را آن ها هم می خوانند. من یقین دارم که طرف آمریکایی از رفتار بنده ضعف ندیده اما وقتی این مطالب را می خواند فکر می کند حتماً یک خبری هست، حتماً یک چیزی داخلی ها می دانند که می گویند در مقابل ما ضعف نشان می دهد. این است که من مصلحت کشور نمی دانم نه نقد از خودم را.

به عنوان آخرین سوال آقای دکتر، یک پیش بینی یا یک آرزو برای سال ۹۴ داشته باشید؟

آرزو دارم که در سال ۹۴ دنیا در برابر حرکت افراط به خودش بیاید و بفهمد که با افراط نمی شود برخورد گزینشی کرد و به این نتیجه برسد که باید با این معضل برخورد کند. شاید این امید هم برای سال ۹۴ قابل تحقق هم باشد. پیش بینی من هم این است که احساس می کنم که می توانیم از طریق کاهش وابستگی به نفت و با استفاده از شریایی که برای قیمت نفت افتاده میزان تاثیر تحولات بین المللی را بر خودمان کم بکنیم. به نظر من با و یکی از اهداف اقتصاد مقاومتی همین است و در آن صورت هم به ما کمک می کند که در مذاکرات موفق باشیم و هم توفیق و عدم توفیق در مذاکرات را در نتیجه نهایی کار کم می کند. من یقین دارم که آمریکا و غرب راهی جز رسیدن به یک توافق مبتنی بر مذاکره و احترام متقابل با ایران ندارند اما ممکن است اشتباه کنند که امیدوارم حتی اگر اشتباه کردند تاثیرش بر مردم ما بسیار کم باشد.



اگر مذاکرات موفق شود به این معنی نیست که همه مشکلات ما حل می شود و اگر هم موفق نشود امکانات دیگری را مهیا کرده ایم که می توانیم استفاده کنیم